

«بسمه تعالی»



مؤسسه آموزشی-فرهنگی میلاد طه
دبستان پسرانه سخن نو - دبستان دخترانه مطهره

آزمون قلم - کاغذی - ترم اول

سال تحصیلی ۹۵-۹۴



نام :	نام خانوادگی :	نام آموزگار :	سرکارخانم اجلالی	کلاس :	پنجم
زمان :	دقیقه	تاریخ :	آزمون درس :	املاء	

- پدیده های لطیف و عجیب که به سادگی از کنارشان می گذریم، تماشایی برای دیدن و ایستگاهی برای اندیشیدن هستند.

- توحید گوی او نه بنی آدم اند و بس هر بلبل که زمزمه بر شاخسار کرد

- در روزگاران کهن با تصمیم مردم و نظر طبیب بزرگ شهر، محمد بن زکریای رازی، بیمارستانی را ساختند. او برای تعیین جای بیمارستان از چند تگه گوشت تازه استفاده کرد.

- بازرگان که از حوادث روزگار، بسیار چیزها آموخته بود، به فرزندانش گفت: هر که در این چند خصلت کاهلی بورزد و غفلت کند، به مقصد نرسد.

- چنار بلند قامت، به بوته ی کدویی که در کنارش رویید گفت: «فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان، آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست؟»

- وقتی پرچم ایران به اهتزاز درآمد، سرود ملی که خلاصه ی افتخارات و عظمت های یک ملت است نواخته شد و گردن آویز طلا بر سینه ی قهرمان درخشید، حاضران با تمام احساسات شادمانی کردند.

- کوروش سلسله ی هخامنشی را بنیان نهاده بود و تخت جمشید با عظمت و شکوه خیره کننده اش مرکز فرمانروایی این سرزمین بود، ناگهان اسکندر مقدونی که شهرت طلب و جنگجو بود با انبوه لشکرش به ایران هجوم آورد و سرزمین ما را لگدکوب سم اسبان خود کرد.

- من غرق و محو تماشای کتاب های منظم چیده شده بودم که ناگزیر کتابی که در دستم بود را به آقای فرهنگ تحویل دادم و گفتم: این شاءالله به زودی آن را می خرم و پس از سپاسگزاری از او خداحافظی کردم.

- محمود فرشچیان شعرهای دلنشین حافظ و جلال الدین محمد را زمزمه می کرد و هروقت کارش گره می خورد، می گفت : «یا ضامن آهو!»